

رویکردی به ساماندهی کانونهای حاشیه نشین شهری

(نمونه موردی: شهرک بهار، شهر شیراز)

علیرضا اشتیاقی

کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری و منطقه ای

محمود مهبودی

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۵/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۳/۱۳

چکیده

با افزایش جمعیت و مهاجرت به شهرها به خصوص در کشورهای در حال توسعه هجوم به سوی کلان شهرها شروع می شود. در این کلان شهرها به خاطر عدم رشد و توسعه هماهنگ و موازی با رشد جمعیت نوع خاصی از سکونت صورت گرفته است. این نوع سکونت بدون پیروی از الگوی خاصی به دست ساکنان، که عمدتاً گروههای کم درآمد هستند، شکل گرفته است. به نظر می رسد این نوع سکونت که سکونت غیررسمی نامیده می شود، با سطح اقتصادی و شرایط سیاسی-اجتماعی حاکم بر کشورها رابطه مستقیم دارد. این سکونتگاهها، مأمن مردمی هستند که عمدتاً در اقتصاد و خدمات شهری فعال می باشند، بی آنکه بهره ای از آن ببرند و پیچیدگی بافتهای درونی و ساکن شدن اقشار اجتماعی خاص باعث گردیده تا اینگونه محلات به نوعی با تقابل و تضاد با محلات همجوار خود باشند. گرچه تحقیرهای اجتماعی، فقر و مسائل کالبدی (پیچیدگی و عدم نفوذپذیری و دسترسی به درون بافت) باعث جرم خیزی در برخی از این نقاط شده که غالباً این گونه جرائم ریشه در مسایل اقتصادی و فرهنگی دارد. مسائلی از این دست که سبب می شود این کانونها به عنوان نقاط ناهنجار شهر شناخته شوند خود به خود می تواند منجر به معضلات متعدد دیگری شود، که بهای بیشتری را بر جامعه تحمیل می نماید. بنابراین ساماندهی این گونه مکانها نه لازم که ضروری است. در این نوشتار تلاش می گردد به سؤالاتی از قبیل اینکه:

- ۱- ویژگی های عمده کالبدی اینگونه سکونتگاهها چیست و چه رابطه ای با درآمد ساکنان دارد؛ و
- ۲- کدام گروههای اجتماعی در اینگونه سکونتگاهها ساکن هستند و آیا تشابه اقتصادی - اجتماعی می تواند محرک حرکت گروهی و مشارکت آنها برای تحول باشد، پاسخی داده شود.

واژگان کلیدی: سکونت غیر رسمی، ساماندهی، کلانشهرها، مشارکت، قشر اجتماعی

مقدمه

رشد سریع جمعیت شهرنشین در کشورهای در حال توسعه و تمرکز جمعیت در یک یا چند شهر بزرگ باعث ایجاد نظام فضایی ناموزونی شده است که نتایج آن افزایش تقاضا برای اشتغال، مسکن و ... در این کلان شهرهاست. در نهایت کمبود امکانات و عدم امکان پاسخ گویی شهر به نیازهای مختلف ساکنین خود - نظیر اشتغال و مسکن - آنها را به سمت انتخاب دومی تحت عنوان بخش غیررسمی هدایت می کند. بیشتر این افراد که طی دوره های خاص و به طور عمده در جستجوی کار و ایجاد درآمد وارد کلانشهرها می شوند، یا در حاشیه شهرها و یا در نقاط نامناسبی در دل شهر با ایجاد سازه های موقت یا سازه های غیر استاندارد سکنی می گیرند. به نظر می رسد این نوع سکونت که سکونت غیررسمی نامیده می شود، با درآمد اقتصادی و شرایط سیاسی - اجتماعی حاکم بر کشورها رابطه مستقیم دارد. جدول شماره ۱ مقایسه کاربری زمین و میزان اسکان غیررسمی در کلانشهرهای کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته را نشان می دهد.

جدول شماره ۱ - مقایسه اسکان رسمی و غیر رسمی در کلانشهرهای کشورهای جهان اول و دوم

مساحت (کیلومتر مربع)						کاربری شهر
سایر	حمل و نقل	کشاورزی	تجاری	مسکونی، اسکان غیررسمی	مسکونی، اسکان رسمی	
۶۷۷/۳	۰/۰	۵۲۴/۰۰۰	۲۸/۲	۲/۵۰	۷۱/۳	دارالسلام
۲۰/۳	۵۲/۸	۷۵/۳	۴۴/۱	۸۰/۳	۳۸۸/۱	جاکارتا
۱۳/۰	۹/۰	۱۵/۰	۱۱/۰	۳۶/۰	۱۰۸/۰	خارطوم
۶۲۶/۰	۱۰/۱	۱۴۰۱/۰	۲۱/۰	۶۰/۰	۱۳۷/۰	تونس
۶۶/۰	۵۵۰/۰	۲۶۴/۰	۱۱۰/۰	۸۸۰/۰	۳۳۰/۰	لاهور
۵۶۷/۰	۴/۰	۳۳۱/۰	۱/۴	۲/۰	۷۰/۰	تیرانا
۲۰۳/۰	۲۳/۳	۶۱۶/۱	۶۹/۸	۰/۰	۱۵۱/۱	آمستردام
۱۰۰۹/۷	۱۱۱/۵	۵۲۷/۵	۱۷۷/۸	۰/۰	۱۱۸۷/۵	نیویورک
۱۰۴۳/۰	۲۵۰/۰	۹۱۷۰/۰	۱۷۸/۰	۰/۰	۱۴۱۳/۰	پاریس
۳۳۰/۰	۱۶۲/۰	۵۰/۰	۱۴۶/۰	۰/۰	۳۸۳/۰	مسکو
۱۷۴/۴	۱۳/۷	۱۰/۰	۱۸۳/۴	۰/۰	۲۴۸/۵	تورنتو
۳۴۸/۰	۱۳۸/۰	۱۱۵۳/۰	۵۸۴/۰	۰/۰	۶۵۰/۰	استکهلم

منبع: سایت اینترنتی وزارت مسکن و شهرسازی

جدول مذکور به خوبی بیانگر این حقیقت می باشد که متناسب با پیشرفت های اقتصادی و رشد کشورها میزان اسکان غیررسمی در آنها کمتر می شود.

رشد سریع جمعیت شهرنشین در کشورهای در حال توسعه و تمرکز جمعیت در یک یا چندشهر بزرگ باعث ایجاد نظام فضایی ناموزونی شده است که از نتایج آن افزایش تقاضا برای اشتغال، مسکن و ... در این کلان شهرهاست. بررسی عکس های هوایی و تحولات جمعیتی شیراز طی دهه های ۶۵-۱۳۵۵ نشان می دهد که اقبال و توجه در این سالها باعث افزایش جمعیت و در نتیجه شکل گیری این کانونهای ناهنجار گردیده است.

جمعیت شهر شیراز در سال ۱۳۳۵، برابر ۱۷۰۶۵۹ نفر بوده است، این جمعیت در فاصله یک دهه یعنی ۱۳۳۵-۴۵، با نرخ رشد ۴/۶۹ درصد به ۲۶۹۸۶۵ نفر افزایش یافته است. پس از آن در دهه ۵۵-۱۳۴۵ با کاهش نامحسوس یعنی با نرخ رشد ۴/۶۷ درصد به ۴۲۵۸۱۳ نفر رسید، بزرگترین خیز افزایش جمعیتی در این کلان شهر در دهه ۶۵-۱۳۳۵ با نرخ رشد ۷/۱۳ درصدی بوده که جمعیت به ۸۴۸۲۸۹ نفر افزایش می یابد و از آن پس دوباره وارد رشد بسیار کندی می گردد. اما در طول سه دهه یاد شده، یعنی از ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵، افزایش جمعیت و ناتوانی دولت در برنامه ریزی حساب شده و مشکلاتی از این دست باعث افزایش این گونه سکونتگاهها گردید.

اهداف مطالعه

هدف اصلی در این پژوهش تبیین اقتصادی- اجتماعی، کالبدی و ارائه یک طرح ساماندهی مناسب با توجه به وضع موجود می باشد. علاوه بر این اهداف تبعی زیر نیز مورد نظر می باشد:

۱- تبیین مشخصات و ویژگی های عمده کالبدی؛

۲- بررسی نوع فعالیت های اقتصادی (رسمی و غیررسمی)؛

۳- بررسی گروههای اجتماعی و دلایل سکونت؛ و

۴- ارزیابی توان اقتصادی و مشارکتی ساکنین.

روش تحقیق (متدولوژی)

با توجه به اهداف و فرضیات مطرح شده در این پژوهش، از ترکیبی از روشهای توصیفی، تحلیلی و مقایسه ای استفاده شده است.

در این پژوهش جهت دستیابی به چهارچوب نظری مرتبط و مناسب و شناخت دیدگاهها و نظریات عمده پیرامون موضوع از مطالعات اسنادی (کتابخانه ای) و جستجو در منابع خارجی استفاده گردیده است. همچنین جهت دستیابی به ویژگی ها و خصوصیات نمونه مورد مطالعه و جمع آوری داده های مورد نیاز از روش مشاهده میدانی (پیمایشی) به صورت پرسشنامه و حسب مورد مصاحبه و نظرخواهی استفاده شده است. در پایان نیز جهت تجزیه و تحلیل مطالعات و استنتاج، از روشهای تحلیلی و کمی با استفاده از نرم افزار های موجود (AutoCAD، Excel، SPSS و GIS) کمک گرفته شده است.

پیشینه پژوهش

حیبی معتقد است ریشه اصلی اسکان غیررسمی (حاشیه نشینی) فقر فرهنگی است و همین موضوع باعث ایجاد تصور فرهنگ فقر در مورد حاشیه نشینی است. وی همچنین اظهار می دارد چون نسل اول در جستجو کار آمده و در جستجوی معاش است، برای شهر چندان مسأله ساز نیستند حال آنکه نسل دوم آن خود را در سرنوشت شهر سهیم می بیند و از شهر حقوقی را طلب می کند و بنابراین برای شهر مسأله ساز می شود. بنابر اعتقاد وی نسل دوم مسأله ساز نیست بلکه به سادگی خواسته های شهری جدی اش را طلب می کند، او همان حقوقی را طلب می کند که هر شهروندی علی الاصول از آن برخوردار است (حیبی، ۱۳۸۱: ص ۲۸). به نظر وی آنچه اسکان غیررسمی نامیده می شود. مفهومی است از اسکان اجتماعی بخشی از جامعه و هنگامی که به آن اسکان غیررسمی اطلاق می کنیم در واقع این بخش جامعه را طرد و حقوق شهری را از آنها سلب می کنیم و بین متن و حاشیه تفاوت فاحشی قائل می شویم. در واقع، آنها را به نوعی در جایی قرار می دهیم که خارج از چارچوب برنامه ریزی شهری قرار می گیرند و چون خارج از این برنامه ریزی رسمی اند به آنها غیررسمی اطلاق می کنیم. بنابراین، چنین کانونهایی اصولاً در حاشیه قرار ندارند. این نقاط در متن تقسیم کار اجتماعی واقع اند، و تولید و باز تولیدشان هم در متن صورت می گیرد و نمی توان به صرف دغدغه های ذهنی ما آنها را حاشیه تلقی کرد (همان منبع).

اطهاری و جواهری پور در پژوهشی تحت عنوان "حاشیه نشینی در ایران، علل ها و راه حل ها" با بررسی سکونتگاههای حاشیه ای پیرامون ده شهر کشور به این نتیجه می رسند که دوکاستی عمده در نظام برنامه ریزی فضایی باعث به وجود آمدن پدیده اسکان غیر رسمی می شوند (اطهاری و دیگران، ۱۳۷۳: ص ۷۵):

۱- عدم توجه به توان و نیازهای بخش عمده‌ای از ساکنان شهرها "کم درآمدها" در برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی کالبدی؛

۲- عدم توجه به ضرورت قرار گرفتن برنامه‌ریزی شهری در چارچوب برنامه‌ریزی منطقه‌ای. اطهاری در مطالعات جدید خود تحت عنوان "عدالت در فضا" ضمن معرفی مفاهیمی مانند عدالت رابطه‌ای و عدالت توزیعی اسکان غیررسمی را نتیجه عدم اعمال عدالت توزیعی می‌داند (اطهاری، ۱۳۷۶: ص ۱۱۷).

وی همچنین معتقد است که اسکان غیررسمی را می‌توان مشمول استبداد فضا دانست، زیرا در اسکان غیررسمی نه تنها شرایط تاریخی، بلکه شرایط موجود جغرافیایی یا فضا، مانع دستیابی ساکنان به حقوق اجتماعی، فعالیت‌های متنوع اقتصادی، تحصیلات مناسب و ... می‌شود. این امر نافی عدالت در شرایط آغازین است و باید از میان برداشته شود.

اطهاری ساماندهی اسکان غیررسمی با روش توانمندی‌سازی و قدرت‌دهی راز موارد عدالت توزیعی و راهی عادلانه برای تأمین شرایط پایه می‌داند. در این روش وضعیت بخش بزرگی از جامعه با مشارکت آنها و بدون تحدید منافع اقلیت ثروتمند جامعه، بهبود بخشیده می‌شود. زیرا از هر روش دیگری از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کم هزینه‌تر است.

پیران نیز سکونتگاههای غیررسمی در ایران را تحت عنوان موقت آلونک نشینی مورد مطالعه قرار داده است. بنا بر نظر وی پدیده حاشیه شهرها مفهومی گذراست چرا که نقطه‌ای که امروز حاشیه شهر است فردا از حاشیه بودن خارج می‌شود. وی ابتدا اشکال تصرف اینگونه سکونتگاهها را به سه دسته تهاجم سازمان یافته و وسیع، تقسیم خصوصی تکه‌های زمین با اجازه مالک و تصرف خزنده زمین طبقه‌بندی می‌کند و معتقد است در ایران تقسیم و بازتقسیم زمین‌های کشاورزی حاشیه شهرها و زمین‌های خارج محدوده مهمترین شیوه دستیابی به زمین برای ایجاد اجتماعات آلونکی است، شیوه‌های دیگر تصرف خزنده و اشغال سازمان یافته بیشتر در گذشته رواج داشته است (پیران، ۱۳۸۱: ص ۱۳).

شیخی در مطالعه خود تحت عنوان "فرآیند شکل‌گیری و دگرگونی سکونتگاههای خودرو پیرامون کلانشهر تهران" به بررسی مراحل شکل‌گیری این سکونتگاهها در سه مرحله پرداخته است که عبارتند از: ۱- شکل

گیری اولیه ؛ ۲- دوره انتقال و گذار سکونتگاه ؛ و ۳- دوره پیوستگی، انسجام و ثبات نسبی (شیخی، ۱۳۸۰ : ص ۳۹).

اهم نتایج به دست آمده از تحقیقات وی مرتبط با موضوع مطالعه به شرح زیر است:

- شکل گیری این مکان ها روی اراضی الزاماً پست و نامناسب صورت گرفته که خارج از ضوابط و مقررات قانونی موجود در تفکیک و تغییر کاربری روی داده است.
- سکونتگاههای خودرو طی فرآیندی مشخص اما متفاوت و گوناگون از مراحل اولیه شکل گیری که تشابه بیشتری با اسلاف خود دارند، به سکونتگاههای مستقلی تبدیل می شوند.
- علیرغم دگرگونی های اخیر، این الگوی سکونت که هنوز با "شهر" و "جامعه شهری" فاصله قابل توجهی دارد، به دلیل در بر داشتن جوهره رشد خودرو، آن را در جایی بین شهر و روستا قرار داده است.

پس از بررسی نظریات در ایران به نظریات مرتبط با مسائل اینگونه سکونتگاهها در خارج از ایران پرداخته می شود.

بنا به اعتقاد گیلبرت و گالگر فقیران به طور انفرادی ملطقی هستند و برای بهبود سطح زندگی خود بده بستان می کنند. در همان حال فقر و شرایط ویژه در اکثر شهرهای جهان سوم حق انتخاب آنها را به شدت محدود کرده است. در چنین شرایطی فقیران جا را انتخاب نمی کنند بلکه به سوی هر جایی که در دسترس باشد هجوم می برند. ایشان ضمن نامیدن چنین سکونتگاههایی را با عنوان خودجوش معتقدند آبادی خودجوش نوعی احساس نوآوری را در میان فقیران برای رفع نیاز مسکن تداعی می کند (: Gilbert, 1992 p. 170).

طبق تحقیقات ماجالا در کنیا پدیده اسکان غیر رسمی بیشتر بصورت رشد هرز (خودجوش) و پراکنده شدن ساختمان هایی است که از یک سطح و اندازه مخصوص شروع به رشد نموده اند.

وی در مقاله خود تحت عنوان زیر ساختهای پایه در سکونتگاههای غیر رسمی کنیا ضمن طبقه بندی بخش ساختاری توسعه شهری به دو دسته اجتماع محافظه کار و نوگرا تکامل تاریخی زیست شناسی شهر را با تأکید بر اهداف بهبود شهری در سکونتگاههای غیر رسمی مورد بررسی قرار داده است (Majala, p. 32 : 1998).

وی در پروژه خود در باندنی به این نتیجه دست یافت که میزان رضایتمندی در بین افرادی که در مورد پروژه با آنها مشورت شده بیشتر است و نه تنها مسأله علاقمندی به پرداخت هزینه ها و درآمد اقتصادی برقرار است، بلکه همچنین به ارزش کاربردی مسکن و محیط و محل سکونت و نیز فوایدی که از این خدمات به شخص می رسد بستگی دارد و عموماً میل به پرداخت از طرف کسانی که از پروژه سود بیشتری می برند اهمیت اجرایی قابل توجه تری دارد.

مارشال کلینارد محقق و اندیشمند بافت‌های حاشیه‌ای در این خصوص عقیده دارد حاشیه نشینی که یک مسأله و عارضه شهری است، منبع اصلی بزهکاری و جرم است و با وجود تنوع دارای الگوی مشخص جهانی است. افرادی که در مناطق حاشیه‌نشین زندگی می‌کنند از ساخت و قدرت سیاسی عمومی جدایی یافته و بعنوان گروه پست اجتماعی تلقی می‌گردند. وی معتقد است که این گونه سکونتگاهها همیشه کارکرد منفی ندارد و برخی کارکردهای مثبت چون آموزش شهروندی، تأمین مسکن برای کم درآمدها و ... از مزایای این گونه سکونتگاهها است (Clinard, 1966 :p. 38).

پیتر ام. وارد سکونتگاههای غیرمنظم را نتیجه افزایش جمعیت در متروپل‌ها و مناطق مادر شهری می‌داند. او نرخ رشد ۵٪ را برای اینگونه سکونتگاهها غیر معمولی قلمداد می‌کند و معتقد است وقتی سیاست‌های اقتصادی با رکود اقتصادی مواجه شود یا بر مبنای اقتصاد صرفه‌جویانه یا تنظیم اقتصاد کشور با واقعیات جهانی باشد، این وضعیت منتج به فقر گسترده می‌شود و این فقر گسترده باعث ایجاد چنین سکونتگاههایی می‌شود. وی با تأکید بر عوامل اقتصادی به عنوان مهم‌ترین عامل شکل‌گیری این مکانها چنین بیان می‌کند که در این گونه سکونتگاهها همچنین زنان تلاش می‌کنند تا سهم بیشتری در فعالیت‌های مؤثر اقتصادی داشته باشند (Ward, 1995 : p. 98).

محدوده مورد مطالعه

شهرک بهار واقع در منطقه دو شهرداری شیراز با مساحتی در حدود ۴۰ هکتار در فاصله نسبتاً کمی از دو مرکز اصلی شهر شیراز (چهارراه زند و دروازه کازرون) واقع شده است. این محله که جایگزین کوره‌های آجرپزی در سالهای نه چندان دور می‌باشد، به لحاظ فیزیکی فرسوده و از لحاظ تأسیسات زیربنایی نظام تفکیک و قطعه بندی بسیار ضعیف و نامنظم می‌باشد. اقشار ساکن در این محله از نظر اقتصادی به

گروه‌های پائین درآمدی تعلق دارند. از نظر اجتماعی گروه‌های متعدد اجتماعی و قومیت‌های متفاوت در آن ساکن هستند. از نظر تقسیم بندی طبقاتی، ساکنین این شهرک جزء حاشیه نشینان به حساب می آیند.

بررسی شاخصهای جمعیتی محدوده

مطابق بررسیهای انجام شده و با توجه به اطلاعات سرشماری نفوس و مسکن مرکز آمار ایران شهرک بهار در سال ۱۳۷۵ جمعیتی برابر با ۹۶۹۳ نفر را دارا بوده است. تراکم جمعیتی این ناحیه ۲۳۴ نفر در هکتار بوده و در مقایسه با کل منطقه و شهر شیراز از تراکم بالاتری برخوردار است. مجموع تعداد واحدهای مسکونی در این محدوده در سال ۱۳۸۵ معادل ۱۷۲۷ واحد بوده که با استفاده از شاخص ضریب سکونت، جمعیت آن ۱۰۴۸۰ نفر برآورد شده است. متوسط رشد جمعیت در دوره ۱۳۷۵-۸۵ برابر ۱/۱۲ درصد بوده و بر این مبنا تراکم جمعیتی نیز به ۲۵۳ نفر در هکتار رسیده است.

جدول شماره ۲ - مقایسه شاخصهای اقتصادی و اجتماعی محله شهرک بهار با منطقه ۲ و شهر شیراز (۱۳۸۵)

شاخص	محله شهرک بهار	منطقه ۲	شهر شیراز
تعداد کل جمعیت	۹۶۹۳	۲۱۱۲۸۷	۱۰۵۳۰۲۵
مساحت (هکتار)	۴۱/۵	۱۶۸۴/۱	۱۴۰۰۰
تراکم جمعیتی	۲۵۳	۱۵۶	۸۸
نسبت جوانی جمعیت	۴۳	۳۷/۵	۳۶/۴
درصد جمعیت فعال بالقوه	۵۳	۵۸/۲	۵۹/۴
سهم افراد سالخورده	۴	۴/۳	۴/۲
نسبت جنسی	۱۰۷	۱۰۵/۶	۱۰۵/۸
میزان باسوادی	۷۹/۸	۸۷/۴۱	۸۹/۷۵
میزان اشتغال	۹۰/۷	۸۹/۷	۹۰/۵
میزان بیکاری	۹/۳	۱۰/۳	۹/۵
نسبت بستگی (بار تکفل ناخالص)	۰/۸۹	۰/۷۲	۰/۶۸
بار تکفل ناخالص	۲/۲۸	۳/۴	۳/۲
درصد جمعیت فعال اقتصادی	۳۳/۶	۳۲/۶	۳۳/۴
سهم محصلین	۳۶/۸۵	۳۷/۵	۳۸/۳
بعد خانوار	۴/۷۲	۴/۶۸	۴/۶۶
تراکم نفر در واحد مسکونی	۵/۸۴	۵/۶	۵/۶
تراکم خانوار در واحد مسکونی	۱/۲۴	۱/۲۰	۱/۲۰

منبع: مهندسین مشاور پردازاز، طرح بازنگری تفصیلی منطقه ۲ شیراز، جلد دوم، ۱۳۸۵

بر اساس نقشه GIS پایه منطقه ۲ (به هنگام شده ۱۳۸۵) کل قطعات مسکونی موجود در محدوده شهرک برابر ۱۷۲۷ قطعه می باشد. قطعه بندی نامنظم، بافت متراکم و ریزدانه و جهت گیری بی ضابطه این واحدها از جمله مشخصات بارز در این بافت است. بررسی دانه بندی بافت در محدوده شهرک بهار بیانگر این واقعیت است که بیش از ۴۳ درصد قطعات واقع در این محدوده دارای مساحتی کمتر از ۱۰۰ مترمربع می باشند که این موضوع در پیشنهاد ضوابط و مقررات شهرسازی و ساختمانی، تفکیک و تجمیع و نوسازی و بازسازی محدوده بسیار اهمیت دارد.

جدول شماره ۳ - ترکیب و میزان کاربریهای شهری در محدوده شهرک بهار در سال ۱۳۸۵

نوع کاربری	سطح	تعداد	سرانه	درصد
مسکونی	۲۰۲۹۲۵	۱۷۲۷	۱۸/۷	۴۸/۹
تأسیسات زیربنایی	۴۰۸۰	۱	۰/۴	۱
آموزش عمومی	۲۷۷۶	۱	۰/۳	۰/۷
اداری	۱۴۱۰۰	۱	۱/۳	۳/۴
مذهبی	۹۳	۱	۰/۰	۰
باغ	۵۴۱۳۲	۱	۵	۱۳
عملکردهای روشن نشده	۷۰۷	۳	۰/۱	۰/۲
متروکه و بایر	۵۴۲۱۵	۵۹	۵	۱۳/۱
معابر	۸۱۸۱۲	-	۷/۵	۱۹/۷
جمع	۴۱۴۸۴۰	۱۷۹۴	۳۸/۳	۱۰۰

منبع: مهندسین مشاور پردازاز، طرح بازنگری تفصیلی منطقه ۲ شیراز، جلد دوم، ۱۳۸۵

یافته های پژوهش

اسکان غیر رسمی در شهرک بهار نوعی ساز و کار دفاعی و راهکار بقا به حساب می آید. تهیدستان نامتشکل شهری می کوشند تا هزینه مسکن را از سبد هزینه های خانوار بکاهند و از این طریق تحرک عمودی محدودی را تجربه کنند و سطح زندگی خود را بالاتر ببرند. بر این اساس، اکثریت قریب به اتفاق ساکنان این شهرک از زندگی در سکونتگاه غیر رسمی شان ابراز رضایت می کنند و آلونک را بهترین سرپناه ممکن در شرایط جاری خودشان می انگارند. در شهرک بهار بر سر حفظ مسکن، همبستگی چشمگیری برقرار است. در این شهرک نظام حمایت غیر رسمی به ویژه در شرایط پیش آمدن بحرانهای زندگی در کار است و به خوبی عمل می کند. کالبد یا بافت شهرک بهار، به ویژه در بخشهایی از آن که

بعد از انقلاب توسعه یافته، کاملاً مشابه سایر سکونتگاه های غیر رسمی است. مسکن نیز خودساخته و یک شبه برپا شده است. اضطراب دائمی از کف دادن مسکن، یعنی مهمترین عنصر بقا در شهرک بهار، مشهود است و دغدغه ای دائمی را تشکیل می دهد. در این شهرک، همانند تمام سکونتگاه های مشابه، فاصله سطح انتظارات و سطح زندگی واقعی فوق العاده بالاست و این شکاف به سرخوردگی، یأس و اضطراب ساکنان دامن زده است. ویژگیهایی این شهرک، که قابل تعمیم به همه بافتهای شهری مشابه نیز هست، به صورت فهرست وار به شرح زیر است:

۱- در ایران برخی تحولات اجتماعی و سیاسی در سطح ملی باعث انگیزش احساسات و آگاهی نسبی مردم (بخصوص اقشار فقیر) نسبت به گذشته و در نتیجه به وجود آمدن حق از یک سو و حاکم شدن دیدگاههای ارزشی و عدم نظارت مسئولان از سوی دیگر در شکل گیری با شدت بخشیدن به این نوع سکونت بی تأثیر نبوده است.

۲- دیدگاه "محلّه موقت" و "محلّه گذار" از نظر ساکنین بیشتر باعث فرسودگی کالبدی گردیده نه وضعیت اقتصادی آنها.

۳- عمده ساکنین سکونتگاههایی که از نظر جغرافیایی در متن شهر یا نزدیک به مرکز شهر هستند، فقیران شهری هستند تا مهاجران روستایی.

۴- با گذشت زمان این نوع محلات هویت قویتری می یابند و هرچه این هویت ریشه دارتر شود غیر قابل انعطاف تر و در نتیجه ساماندهی آنها مشکل تر است (جنبه های حقوقی و مالکیت نیز ریشه دارتر می شود).

۵- در صورت بروز حوادث این نوع اماکن هم از بناهای معمولی و هم از سازه های موقت (آلونک) از نظر خسارات جانی خطرناکترند.

۶- زنان باید به عنوان بخش بزرگی از جامعه در برنامه ریزی در نظر گرفته شوند.

۷- در ساماندهی و برنامه ریزی برای چنین سکونتگاههایی سه عامل اقتصادی و کالبدی کاملاً به یکدیگر وابسته هستند و نمی توان یکی را به دیگری ترجیح داد اما در تقدم و تأخر آنها می توان با نگاهی دقیق تفاوت قائل شد.

نتیجه گیری

برای آن که طرحهای ساماندهی محله های حاشیه ای به صورت جزئی از برنامه های پایدار شهری در آید، ضروری است طرحهای محله ای به صورت هماهنگ در سطح کل شهر برنامه ریزی شود و اجرا گردد. بدیهی است موفقیت نهایی در ساماندهی شهرک بهار در گرو سامان یابی و تأمین مسکن اقشار کم درآمد شهر در آینده است. بدون شکل دادن به نظام اسکان کم درآمدها در شهر شیراز، اقدامات انجام شده برای بهسازی محله های موجود با ایجاد محله های جدید حاشیه ای و نابسامان، خنثی خواهد شد و شهر شیراز پیوسته با معضل ایجاد محلات نابسامان جدید مواجه خواهد بود. تسهیل شرایط برای تولید مسکن متناسب با استطاعت گروه های کم درآمد در محیط شهری مجهز به حداقل استانداردهای شهری، هدف برنامه اسکان تهیدستان شهری در مقیاس شهر خواهد بود.

از سوی دیگر تسهیل شرایط ارتقاء وضعیت اقتصادی خانوارهای حاشیه نشین غالباً به سیاستهای کلان اقتصادی و مدیریت شهر وابسته است. به علاوه، نهادهای محلی که برای برنامه های حرفه آموزی سازمان می یابند، باید از نیازهای بازار کار شهر و فرصتهای شغلی آینده تصویری داشته باشند. از طرفی، وفاق اجتماعی در زمینه اولویتهای شهر که باید مبنای تخصیص اعتبارات به سرمایه گذاری در زیرساختهای مورد نیاز در محله های حاشیه ای باشد، غالباً با مقاومتهای سیاسی و اجتماعی در بدنه تصمیم گیری شهر مواجه می شود و این امر تنها با جامع نگری نسبت به محله های حاشیه ای در مقیاس شهر حاصل خواهد شد.

در ایران به دلیل ضعف سازمانهای غیر دولتی، به کارگیری روشهای مبتنی بر هدایت کلی طرح توسط بخش غیر دولتی، غیر عملی به نظر می رسد. در این شرایط، تقویت شهرداریها و گسترش حوزه اختیارات آنها برای تجهیز به سازوکارهای ضروری در جهت راه اندازی این طرحها به کمک شوراهای شهر، یک الزام حتمی برای فراهم کردن بسترهای عملی مداخله دولت و ایفای سهم آن در پروژه های توانمندسازی است.

منابع

- ۱-طهارى، كمال و جواهرى پور، مهرداد (۱۳۷۳) « حاشیه نشینی در ایران: علل و راه حلها»، مركز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، گزارش چهارم، بخش دوم، صص ۶۹-۱۰۹
- ۲-طهارى، كمال (۱۳۷۶) « مقدمه ای بر رابطه جامعه و فضا»، نشریه معماری و شهرسازی، شماره ۱۰ و ۱۱
- ۳-پیران، پرویز (۱۳۸۱) « در باب اسكان غير رسمى: مورد شیرآباد زاهدان»، فصلنامه هفت شهر، سال سوم، شماره نهم و دهم، صص ۷-۲۴
- ۴-حبیبی، سید محسن (۱۳۸۱) « نقش و جایگاه مجموعه های زیستی پیرامون شهرهای بزرگ در نظام اسكان کشور»، فصلنامه هفت شهر، سال سوم، شماره هشتم، صص ۲۵-۳۳
- ۵-شیخی، محمد (۱۳۸۰) « فرآیند شکل گیری و دگرگونی سکونتگاههای خود رو پیرامون کلانشهر تهران»، رساله دکتری دوره شهرسازی، دانشگاه تهران
- 6-Gilbert, A. & Guler, J. , 1992 "Cities, Poverty and Development", 2nd. Ed. , pp. 169-175
- 7-Majala, S. , 1998 "Community-based Programs", in: Urban Poverty Alleviation, U.M.P. and Habitat
- 8-Clinard, M. , 1966 "Problems in Providing Low-Income Urban Housing in Baangladesh", Habitat International 12(3), pp. 29-40
- 9-Ward, Peter M. , 1995 "The Challenge of Replicability: Towards a New Paradigm for Urban Shelter in Developing Countries", Regional Development Dialogue, 4(1), pp. 90- 99

Archive of SID